

تیم

@manhwa_land

منہ بانو، رشتہ دہم

I Woke Up as the Ugly Duckling

Comic kang seah

*

Original Novel JUNG HAIM

16





بدنم دوباره سالم و
وضعیت خوبیم داره

و انقدر خوش شانس بودم
که حتی تونستم قوی ترین
بادیگارد روی
زمین رو پیدا کنم





آماده سازی
یه زندگی مستقل
از چیزی که انتظار
داشتم اروم تر
میره جلو چقدر
هیجان انگیز



مشکل من
پول و موقعیتمه



تمام سرمایه ی سیلویا
از لحاظ فنی و درواقع
برای خاندان لتانته و
من نمی تونم چیزی
رو برای خودم بدونم

**بالترا از اون
پیشخدمت همیشه
مراقب تک تک لباسا و
جواهراتمه...**



**به خاطر همینم
نمی تونم مخفیانه
اونا رو بدزدم ویا
بفروشمشون...**

از همه چی بدتر دوک اتلانت
تا چهار سال دیگه به خاطر تنبیه
کارای سیلویا همه ی اموالش رو مصادره می کنه

خب این توی گذشته ی
سیلویا چهار سال دیگه
اتفاق میفته اما کی
می دونه که
این بمب ساعتی
کی منفجر می شه؟

گفتنی نیس که چه موقع
دوک عوضی یه نقصی
توی رفتار من پیدا
می کنه و تموم اموالمو
تصرف می کنه این
می تونه همین فردا
اتفاق بیفته

من نیاز دارم که یه ثروت
مخفی جمع کنم اینجوری
دوک اتلانت به هیچ وجهی
نمی تونه اون رو ازم بگیره

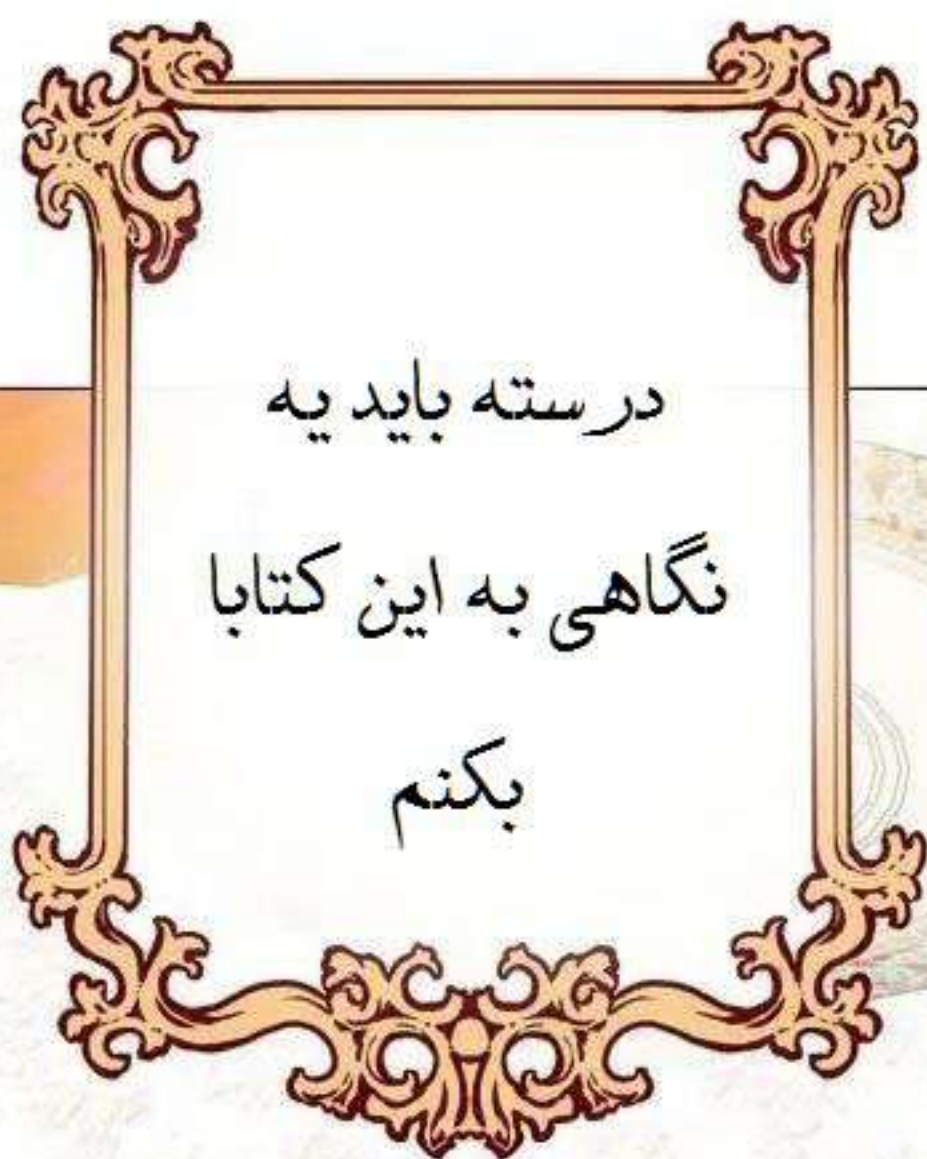


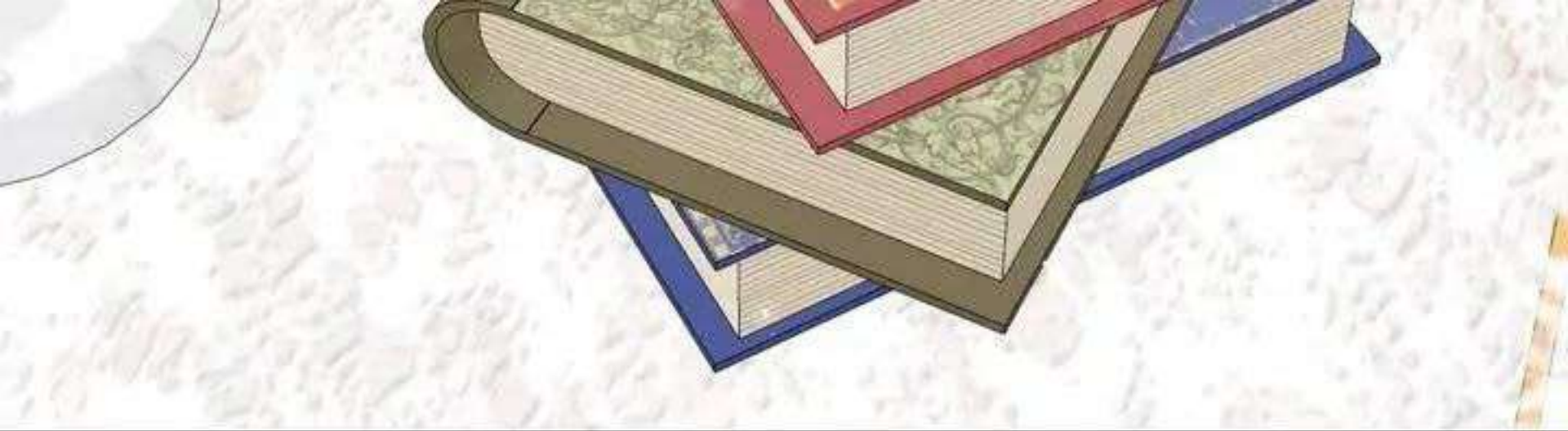
ما من خر

هیچ راه خوبی
برای پول در آوردن
به مخم نمیرسه...



درسته باید یه
نگاهی به این کتابا
بکنم





شاید بعد
خوندن این ها
یه نظر خوب
به مخم برسه

حتی ممکنه یه سری
اطالعات مخفی راجب
سنگ ها و گنج ها تو
این کتاب ها پیدا کنم



ونت!

بله بانو سیلویا؟



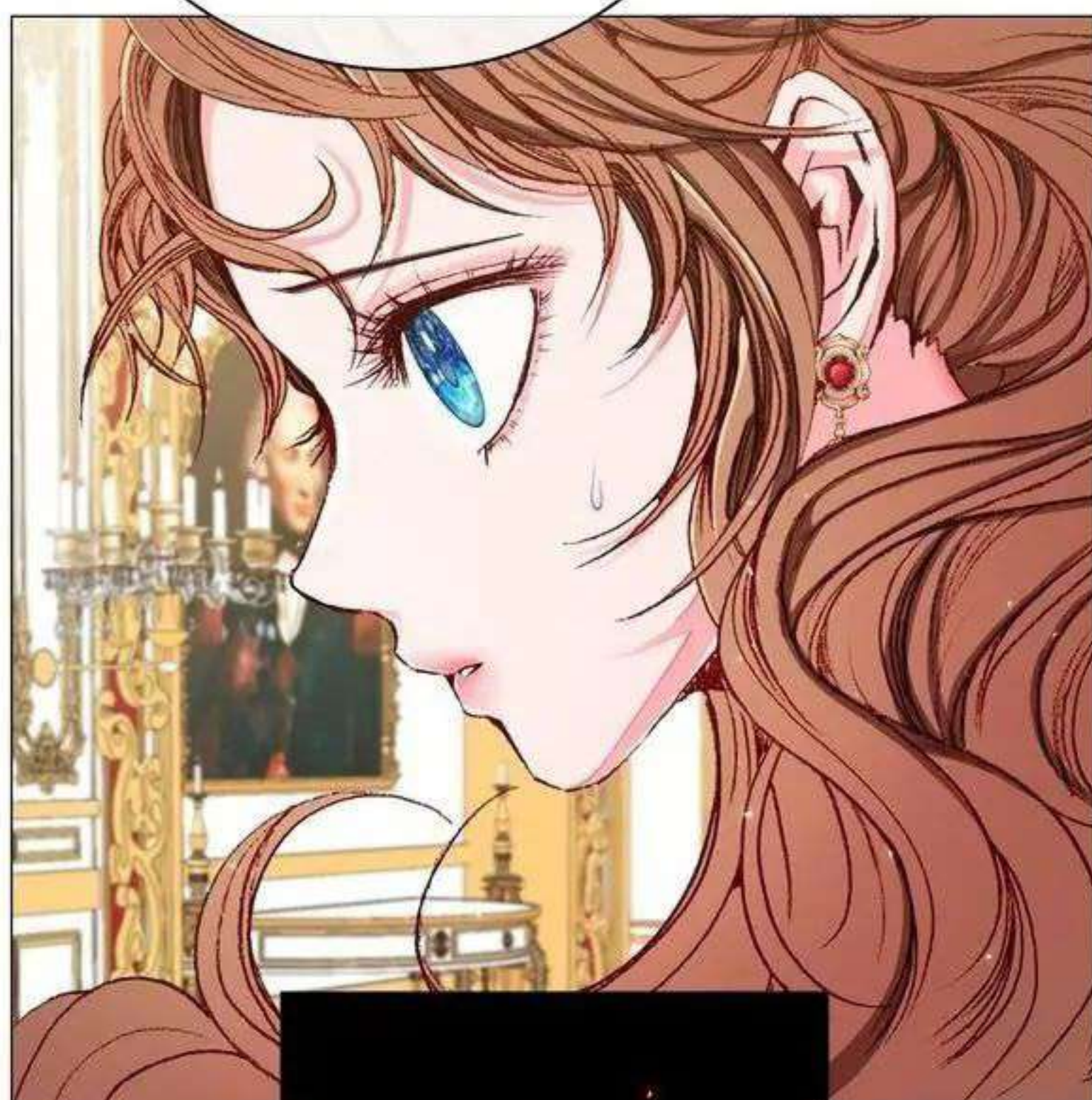
من می خوام برم
کتاب خونه ی عمارت اصلی
مشکلی نداره که میتونم؟

کتاب خونه...



عمارت اصلی؟

اه... اجازه ندارم
برم اونجا؟



اون هنوز به اندازه
کافی به سلویا
اعتماد نداره....؟

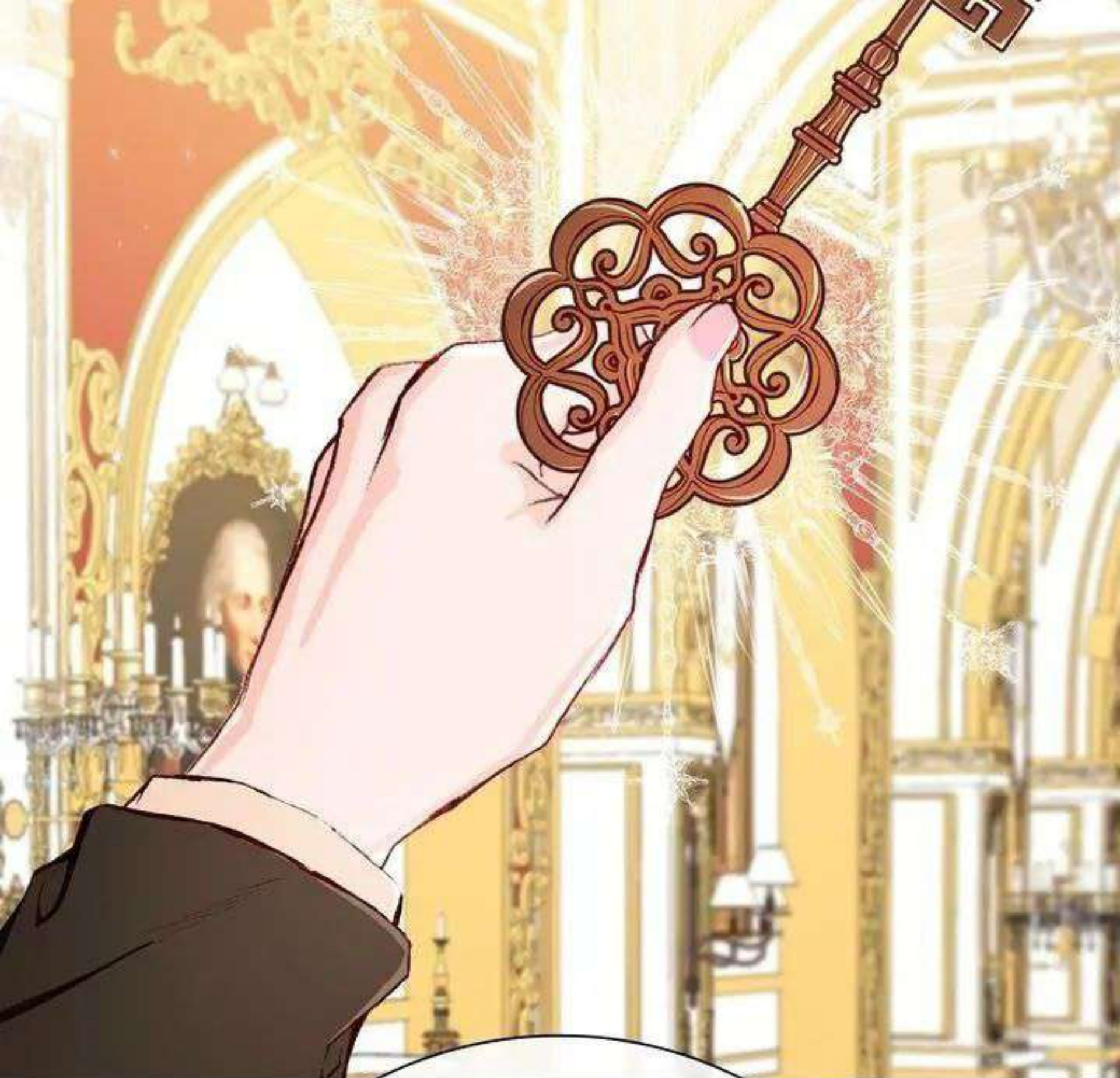
البته شما به عنوان عضوی
از خاندان اتلانت به طور قطع اجازه
دارین که داخل کتابخونه باشین





فقط اینکه.... من تا قبل این
هرگز نشنیده بودم که بخواین برین به
کتاب خونه بخاطر همین
یکم شکه شدم معذرت می خوام





اینجا این کلید
کتاب خونه ی اصلی
شما هر وقت بخواین و دوست
داشته باشید می تونین به
کتابخونه برین دوشیزه سیلویا

ممنونم ونت...





اجازه بدین تا اونجا
راهنماییتون کنم

هیچ کدام از خاطرات سلویا
مربوط به کتاب خونه نیس این بچه از
کتابخونه و درس خواندن متنفر
بوده به خاطر همینم هرگز دلیلی
نداشته که به اونجا بره...

به خاطر همینم من پیش تر

هیچان زدم که برم اونبارو ببینم





**کتاب خونه ی
دوک اتلانت**

**حتی به عنوان یه
نجیب زاده هم
خیلییی بزرگ**

می گن که این کتاب خونه
بیش ترین کتاب رو بعد از
کتاب خونه ی آکادمی مرکزی
و کتاب خونه ی سلطنتی
که هر کدومشون توی
وسعت مجموعه هاشون
معروفن داره



همین طور شنیدم که یه عالمه
کتاب نادر و کمیاب و قدیمی که
اصلاً نمی شه پیدا شون کرد
توی این کتاب خونه هست



من شایعاتی شنیدم
دوشیزه سیلویا





هاه؟

چه شایعه ای...؟



اونای می گن که شما به تشکیلات امنیتی
کمک کردین تا گروه شیطانیه عقرب های سیاه
رو که یه مدت بوده توی خیابون پرتروم
دردسر درست می کردن
دستگیر و جمع اوری کنن



کییی؟ منن؟

حرف از قهرمانی و شجاعت
شما توی تموم خیابون پرتروم پیچیده
و مغازه دارها با اینکه هیچی
ندارن اما شمارو خیلی ستایش میکنن

SPARKLE





شما واقعا یکی از بهترین
اعضای خانواده هستین دوشیزه

همچین قضاوت و... واکنشی که
این بشر داره
نشون میده باید در
مورد اون اتفاق حرف بزنه



پلیس هدفش محافظت
از مردم و شهروندانه

در واقع همکاری اونا
با گردن کلفتا و
ارازل و اوباش توی
اذیت کردن شهروندای
امپراطوریو گرفتن پول
ازونا منو دیوونه و
عصبانی کرد

همه کاری که کردم یه کم
کتک کاری با اون ارازل اوباش و
تحویشون به گارد امنیتی
قبل برگشتنم به املاک بود

پس شایعات به
این برمی گرده؟
حتی به کار بزرگم
نکردم؟

تشکیلات امنیتی مدتی بعد از
عقرب های سیاه به وجود اومدن و
تشکیلات پلیسم با چشم های بسته و
بی خیال از دنیا مثلا سرتاسر
خیابون رو اداره می کردن
برای اونا خیلی سخت بوده که در
مورد این موضوع کاری انجام بدن

اون زمان که تشکیالت امنیتی
در حال محافظت از اطراف قلعه بودن
امنیت بقیه ی جاهای شهر به عهده ی
تشکیالت پلیس بود به
خاطر همینم تشکیلات امنیتی
تمرکزی روی بقیه ی نقاط شهر
نداشتن

البته تشکیلات امنیتی یه شکایتی
کرده بود که تیم پلیس با عقرب سیاه
در همکاری اما مدرک و شاهد درست و
حسابی نداشتن و هیچ کدوم
از اعضاشون رو در حالت حمله هم
نگرفته بودن

اما شما تونستین بگیرینشون
دوشیزه سیلویا و یکی از اون سطح
متوسط های عقرب سیاه بودن
که شما کتکش زدید

و تحویلش دادید



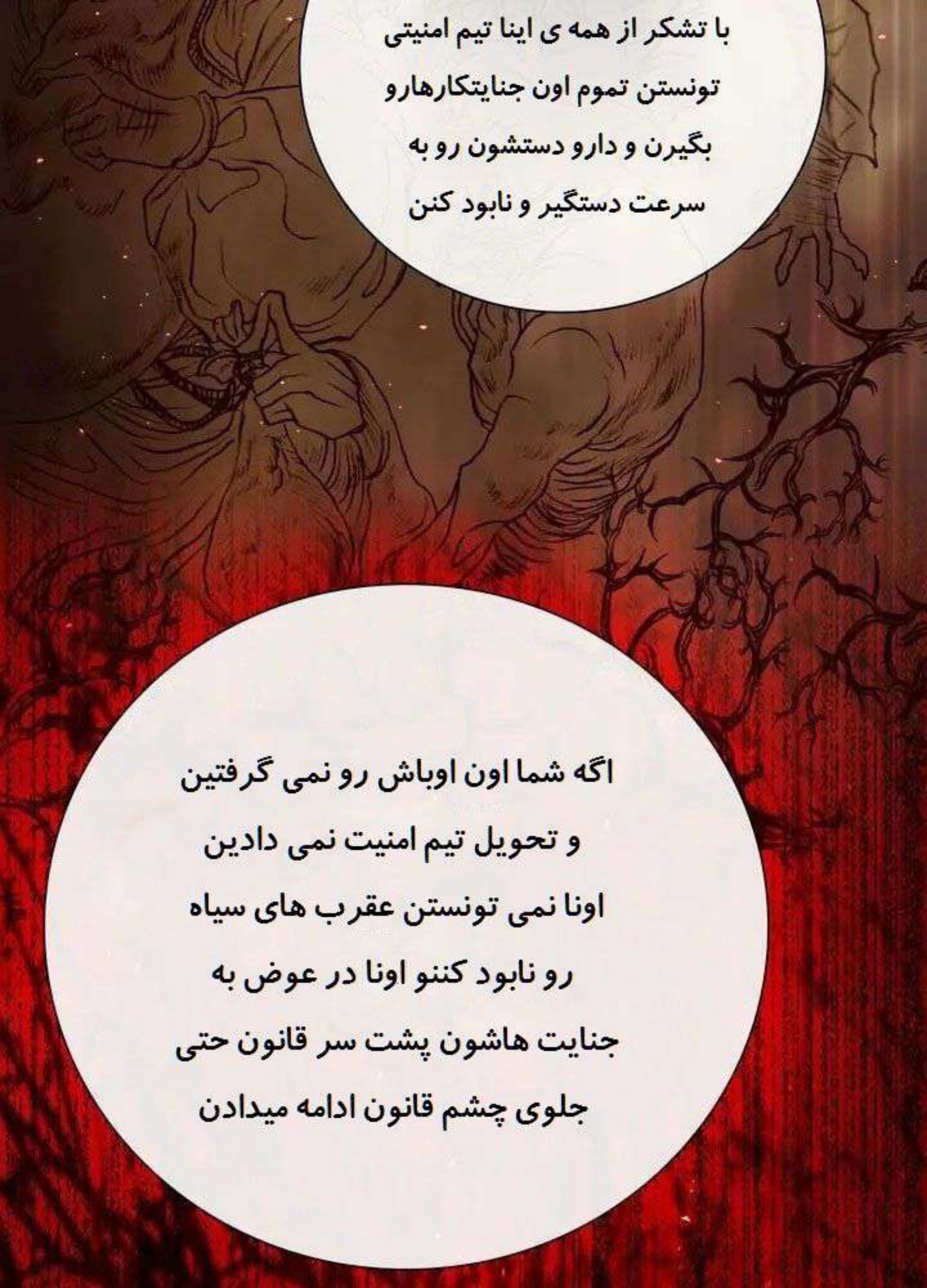


چی؟

اون کچه
سطح متوسط
گروهشون بود ؟

تشکیلات امنیتی با استفاده از
همین مرد، تونست یه سری اطلاعات
در مورد مخفیگاه عقرب سیاه،
در مورد اعضای اصلیشون و حتی
نیروهای فاسد پلیس که باهاشون
همکاری می کردن پیدا کنه

THANKS TO THAT



با تشکر از همه ی اینا تیم امنیتی
تونستن تموم اون جنایتکارهارو
بگیرن و دارو دستشون رو به
سرعت دستگیر و نابود کنن

اگه شما اون اوباش رو نمی گرفتین
و تحویل تیم امنیت نمی دادین
اونا نمی تونستن عقرب های سیاه
رو نابود کننو اونا در عوض به
جنایت هاشون پشت سر قانون حتی
جلوی چشم قانون ادامه میدادن



و مطمئنم حتی اون چیزی که بهش
می گفتن مالیات حمایتی رو
افزایش میدادن و اون مغازه دار های
بدبخت رو حتی بیش تر از
قبل توی آینده شکنجه می کردن

ا.د ینی اینقد پخمه بودین ک نتونسین یکیشونو بگیرین: /؟

ت کتم نمیرع

کار شما سرورم
اون بدبخت هارو از دست
عقرب های سیاه نجات
داد...



...و از قربانی شدنشون
توی آینده جلوگیری کرد

به عنوان یکی از شهروندای
این شهر به خاطر تلاش هاتون بسیار
قدردانتون هستم





نه منظورم اینه که من فکر
نمی کردم همچین چیزی و راهکاری
کارکنه و مستحق این همه قدر دانی
نیستم...

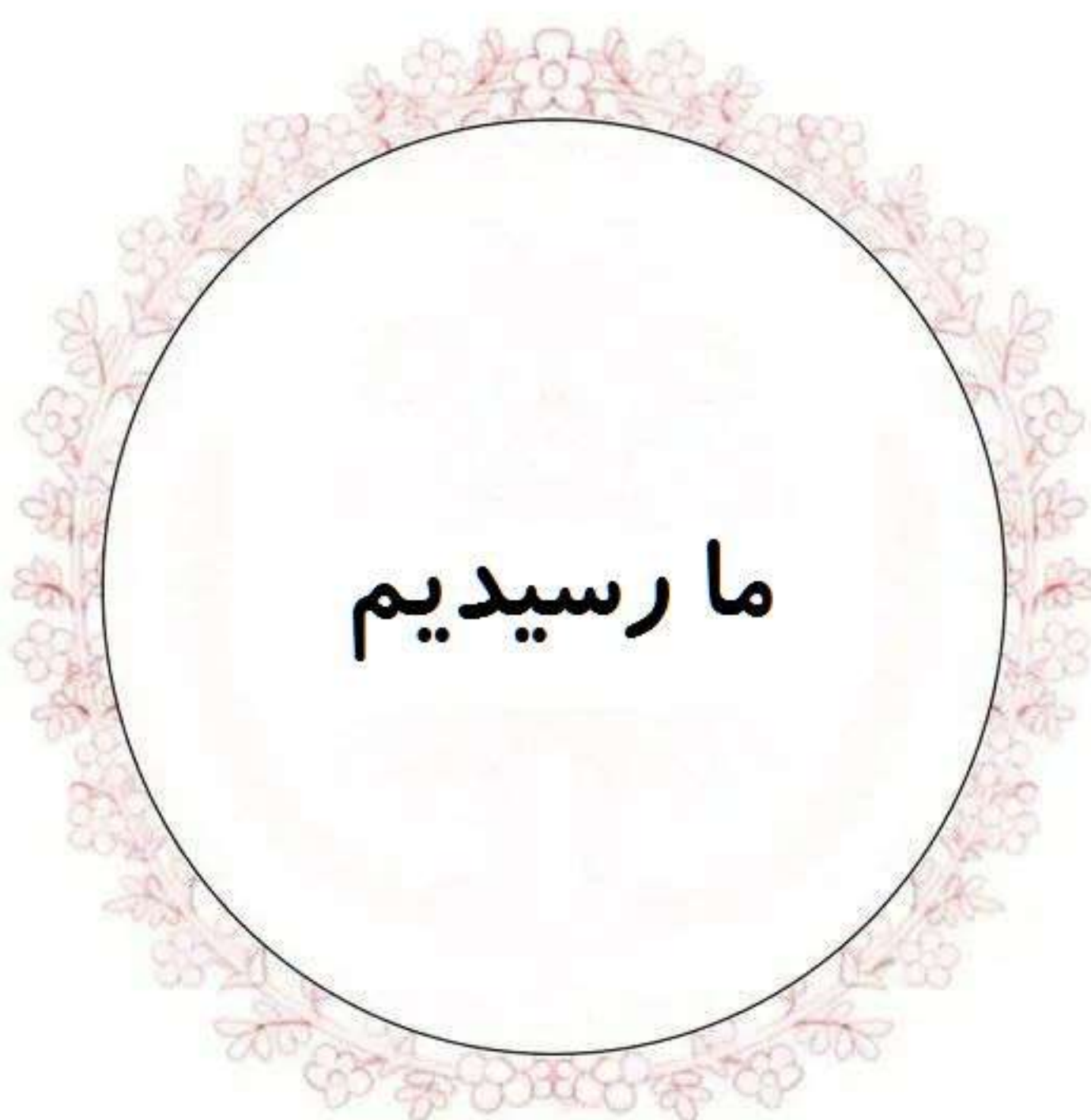
این تشکیلات امنیتی بود که اون هارو
ب... بعد از همه ی اینها
دستگیر کرد و اون هستند
که باید بهشون افتخار بشه
نه من...





لازم نیست انقدر فروتن
باشین دوشیزه سیلویا







اگه هر موقع به چیز
دیگه ای احتیاج داشتین
بهم بگین



هیچ اطلاعات مفیدی
اینجا نیس هیچییی





ا.د وضع من شب امتحان روانشناسيم ديغن همين بود.**
خدا نيارع اون روزاي مخوفووووو

يا خدااا يني من توي
اين يه مدت کوتاه اين همه
کتاب رو خوندم؟





سرعت کتاب خوندنم
از وقتی که توی بدن
سیلویا بیدار شدم به
طور افسانه ای
سریع تر شده...



فقط با ورق زدن کتاب
می تونم تموم اطلاعات
رو بفهمم و جذب کنم
این خیلی فوق العادس



درسته من باید
همینجا بشینم و

تموم کتاب های این کتاب خونه
رو بخونم و چیزی که باید
رو پیدا کنم





هاه؟



این کتابه...





سنگ های
جادویی طبیعی
دارای خلوص بالایی
هستند

سنگ های جادویی مصنوعی
توی صنعت که به وسیله ی
جادوگر ها ساخته میشن
خلوص کمتری دارن

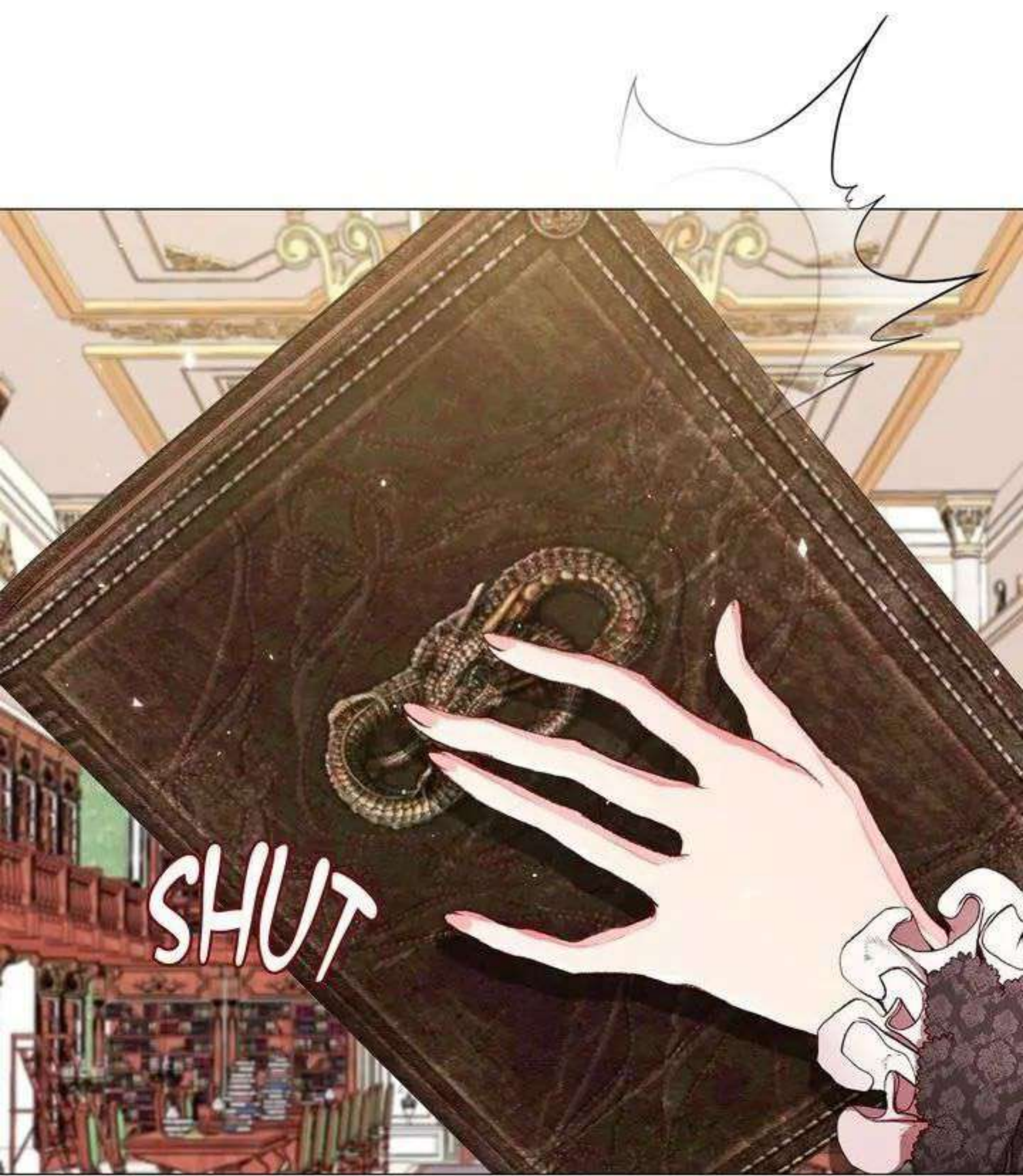


An illustration of a woman with long brown hair, wearing a dark red patterned dress and dark pinstriped leggings, sitting at a wooden desk in a library. She is holding an open book with a red cover and reading it. The background shows bookshelves filled with books. A white text box with a red border is overlaid on the bottom right of the image.

سنگ های جادویی خیلی
کمیابن و خیلی
سخت ساخته می شن
به هر حال امروزه توی تموم
وسایل جادویی مدرن
از سنگ های جادویی
استفاده می شه



خیلی خوب
دیگه فهمیدم...



...چه طوری می تونم
سنگ جادویی
بسازم

بعد از اینکه این دختره قدرتش
به عنوان یه احضار کننده تصدیق
شد سیلویا تونسیت توی
آکادمی مرکزی شرکت کنه



هرچند که این بچه اونجا بود
اما به هر حال نمی تونسستن روی
درساش تمرکز کنه و
با هم کلاسیاش وقت ب
گذرونه



اما سیلویا هنوزم
عاشق ساخت سنگ های
جادویی بود

ساخت سنگ های جادویی
فقط با استخراج
مانا از بدن امکان
پذیره



آکادمی دانش آموز هاش رو
مجبور می کرد که سنگ های
جادویی رو به عنوان
برنامه ای از کلاس
و درس هاشون بسازن
اینجوری بهشون یاد می دادن
که چه جوری ماناشون رو
کنترل کنن

اما بیش تر دانش آموز ها فقط
می تونستن به اندازه ای مانا
استخراج و کنترل کنن که یه سنگ جادویی
به اندازه ی یه دونه
شن بسازن



**ساخت سنگ های جادویی
وظیفه ی خیلی
سختیه و مستلزم مانا با
ظوص بالا و تمرکز خیلی
زیاد و همین طور
بستگی به کنترل
افراد روی ماناشون داره**

من توی تمرکز

خیلی خوبم



**و می تونم از خاطرات
سیلویا برای ساختن
سنگ های جادویی
بزرگ تر و محکم تر
استفاده کنم**

**و بهتر از همه
مانای من خلوص
خیلی بالایی داره**

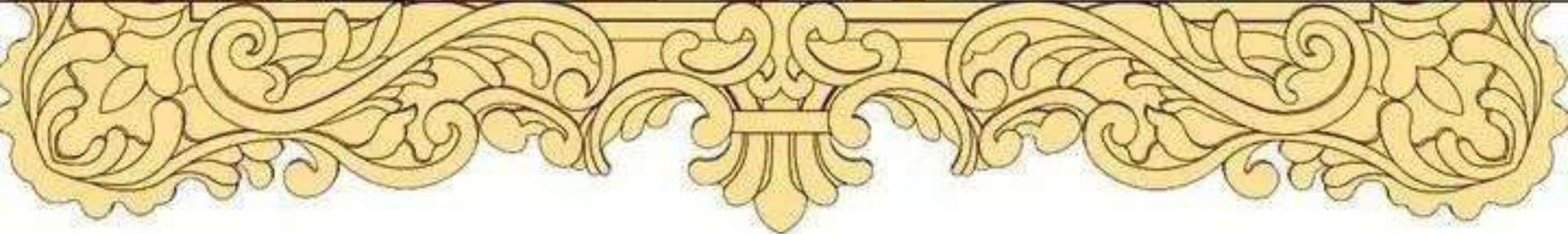
درجه خلوص مانای بدنم
رو قشنگ می شه
با تغییرات فوق العاده
ای که داشتم قضاوت کرد...



...من می تونم
با خیال راحت
تصور کنم که
مانایی که دارم
دارای خلوص و کیفیت
خیلی بالاییه

خیله خوب باید برم
اتاقمو چنتا
سنگ جادویی
عالی بسازم..





سى..



سيلويا..؟

✧ ✧ To Be Continued... ✧ ✧

재담

Feelyeon

Translator: Alden Kim

Editor: Kelly Lee



مترجم parpari

ادیتور oniws

کانال ما

@manhwa-land

کپی در هر صورت ممنوع

برای حمایت از ما عضو کانال ما بشین

منه بانور زنت شدم